

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على اشرف الانبياء والمرسلين حبيبنا وحبیب اله العالمين الذي سمي في السماء باحمد و في الارضين بابي القاسم محمد (صلى الله عليه و آله و سلم) و على اهل بيته الطاهرين و لعنت الله على اعدائهم اجمعين من الآن الى يوم لقاء رب العالمين. اما بعد عبادالله اوصيكم و نفسى بتقوى الله و اتباع امره و نهى.

خودم و شما نماز گزاران عزيز را به تقوى الهى دعوت مى كنم.

« يَا ابا ذر! يَطْلَعُ قَوْمٌ مِنْ اَهْلِ الْجَنَّةِ عَلَى قَوْمٍ مِنْ اَهْلِ النَّارِ، فَيَقُولُونَ مَا اَدْخَلَكُمْ النَّارَ، وَ قَدْ دَخَلْنَا الْجَنَّةَ لِفَضْلِ تَأْدِيبِكُمْ وَ تَعْلِيمِكُمْ، فَيَقُولُونَ اِنَّا كُنَّا نَأْمُرُ بِالْخَيْرِ وَ لَمْ نَفْعَلْهُ .»

ای ابا ذر! جمعی از بهشتیان بر دوزخیان در آیند و از آنها بپرسند: چرا شما جهنمی شدید که ما از تعلیم و تربیت شما به بهشت در آمدیم؟ جواب دهند: ما به خوبی ها امر می کردیم و خود خوبی نمی کردیم.

این کلمات حضرت بر چند نکته مهم دلالت دارد :

اول این که راه بهشت دارای قواعد و مقرراتی است که هر کس آن مقررات را رعایت کند به مقصد خواهد رسید . و هر کس آن مقررات را رعایت نکند از این نعمت محروم و به نعمت جهنم مبتلا خواهد شد . و فرقی در این است که انسان عالم باشد یا عامی . علم ابزار است و عمل با شرایط خاص خود راه است . و این راه هم در کتاب آسمانی نشان داده شده و هم در الگ و های عملی ارائه شده است.

اما این راه چیست ؟ این راه همان راه اسلام است ، همان راهی است که خدای متعال از آن به صراط مستقیم تعبیر نموده است و در روایات در باره ائمه علیهم السلام وارد شده است که « وَ نَحْنُ وَ اللّٰهُ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ »^۱ هر کس راه ائمه را برود بدون شک به بهشت خواهد رسید و هر مکس از آن تخلف کند از بهشت محروم خواهد شد.

دوم این که وقتی سخن حقی و موعظه ی مفیدی از کسی شنیدی به دلیل این که گوینده اش عامل نیست آن موعظه را ترک نکن و از آن راه الهی که از زبان عالم غیر عامل صادر می شود غفلت نکن . حتی از حضرت امیر (ع) نقل شده است که فرموده اند « خُذِ الْحِكْمَةَ مِمَّنْ اَتَاكَ بِهَا وَ انْظُرْ اِلَى مَا قَالَ وَ لَّا تَنْظُرْ اِلَى مَنْ قَالَ »^۲

عده ای برای فرار از عمل کردن به دستورات دین ، خود گوینده را بهانه می کنند و از انجام آن کوتاهی می کنند و نمی دانند که کوتاهی دیگران مجوز کوتاهی انسان نمی شود و انجام دادن دیگران نیز به درد انسان نمی خورد . حتی گاهی دیده شده است که برای فرار از عمل ، دیگری را به دروغ متهم می کند که خودش عمل نمی کند . در فضای مجازی یک عکسی را گذاشته بودند که یک فردی در سطلهای آشغال می گشتد و مواد زائد جمع آوری می کرد و در زیرش نوشته بودند که تاکنون دیده اید یک آخوند برای کسب در آمد و یا رفع نیاز بین سطلهای آشغال بگردد. این نادان متوجه نشده بود که اولاً اگر یک آخوند بخواهد در بین سطل

آشغالها بگردد با لباس روحانی نمی رود بلکه آنه م لباسش را در می آورد و برای امرار معاش همین کار را می کند کما این که بسیاری از علما محتاج نان شب می شوند ولی گرسنه می خوابند و کسی را مطلع نمی کنند و من خودم چنین فردی را سراغ داشتم. ثانیاً عالم دینی یک تحصیل کرده متخصص است و پس از سالها تحصیل چرا باید بین سطلهای آشغال بگردد والا باید همین سوال را در باره دیگران نیز کرد که آیا تاکنون دیده اید یک دکتری بین سطلهای آشغال بگردد ؟ آیا دیده اید یک خلبانی و یک فلان بخش از دانشمندان بین سطلهای آشغال بگردد ؟

این مغالطه فقط برای این است که عرضه عمل به معروف را ندارد. یک عالم دینی به شما می گوید انفاق کن ، دست فقراء را بگیر ، گناه و معصیت الهی را انجام نده . این حرفها حق است چه گوینده به آن عمل کند و چه نکند . اگر شما به آن عمل کنید و او

^۱ . تفسیر القمی ؛ ج ۲ ؛ ص ۶۶

^۲ . عیون الحکم و المواعظ (للیثی) ؛ ص ۲۴۱

خودش عامل نباشد در قیامت می گویند « مَا أَدْخَلَكُمْ النَّارَ، وَ قَدْ دَخَلْنَا الْجَنَّةَ لِفَضْلِ تَأْدِيبِكُمْ وَ تَعْلِيمِكُمْ » و آنها پاسخ می دهند که « إِنَّا كُنَّا نَأْمُرُ بِالْخَيْرِ وَ لَا نَعْمَلُهُ » و آن وقت تو برنده هستی . و اگر عمل نکنی که همین بهانه های دلیل بر این است که مرد عمل نیستی ، جایگاهت جهنم خواهد بود ، و عمل کردن و نکردن گوینده سخن هیچ دردی برای شما دوا نخواهد کرد.

امروز عجیب شده است عده ای از افراد بی هنر که مرد عمل نیستند و حتی این قدر عرضه هم ندارند که بگویند ما مرد عمل نیستیم برای عمل نکردن و شانی خالی نمودن از کردار نیک ، تخلفات دیگران را بهانه قرار می دهند . وقتی گفته می شود کمک کن مسجد بسازیم ، نمی گویند ندارم . چون می دانند دروغ می گویند و نمی گویند که من دل احسان نمودن را ندارم و یا اصلا اعتقادی به مسجد ندارم چون ماهیتش برای مردم کشف می شود بلکه برای فرار از این عمل خیر می گویند من به مسجد کمک نمی کنم چون فلانی که اهل مسجد بود فلان تخلف را انجام داده است . یا بهانه می کند که فقراء بیش از مساجد نیازمندند البته به نیازمندان هم کمک نمی کند. وقتی می گویی بیا به حوزه علمیه کمک کن همینطور پاسخ می دهد.

این فرمایش پیامبر هم به علمای غیر عامل پاسخ می دهد و هم به کسانی که معر وفات را به بهانه تخلف دیگران، ترک می کنند پاسخ می دهد.

سوم این که عمل نکردن چند صورت دارد . یک بار این طوری است که انسان می گویند اگر بهترین عمل را برام معرفی می کردند انجام می دادم ولی هنگامی که بهترین عمل به وی معرفی می شود عمل نمی کند . خدای متعال به اینها می فرماید : « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ »^۳

نقل شده است که جمعی از مؤمنان پیش از آنکه حکم جهاد نازل شود می گفتند: ای کاش خداوند بهترین اعمال را به ما نشان می داد تا عمل کنیم، چیزی نگذشت که خداوند به آنها خبر داد که «افضل اعمال، ایمان خالص و جهاد است» اما این خبر آنها را ناخوشایند آمد و تعلق ورزیدند، آیه نازل شد و آنها را ملامت کرد.

عامل نبودن بار دیگر به این است که به برادر دینش یک چیزی را وعده می دهد و به آن عمل نمی کند . در حدیثی از امام صادق علیه السلام می خوانیم: «وعده مؤمن به برادرش نوعی نذر است، هر چند کفاره ندارد، و هر کس تخلف وعده کند با خدا مخالفت کرده، و خویش را در معرض خشم او قرار داده.»^۴

"علامه طباطبائی" در "المیزان" می گویند: "فرق است بین اینکه انسان سخنی را بگوید که انجام نخواهد داد، و بین اینکه انجام ندهد کاری که می گویند، اولی دلیل بر نفاق است و دومی دلیل بر ضعف اراده."^۵

عبد الله بن عامر بن ابی ربیع می گویند : پیغمبر به خانه ی ما آمد و من بچه بودم و رفتم بدنبال بازی ، مادرم صدایم کرد که بیا چیزی به تو می دهم.

پیغمبر(ص) پرسید چه خواهی باو داد؟ مادرم گفت: یک دانه خرما.

حضرت فرمود: بدان که اگر دانه ای خرما باو ندهی گناه دروغی بر تو نویسد و گردنگیر تو شود.^۶

نقل می کنند که مرد از دور برای آموختن حدیث پیش احمد بن حنبل آمد . قاطر آن شخص فرار کرد و او دامن خود گرفت تا حیوان بخيال خوراکی نزد او آید. احد بن حنبل به وی گفت تو حیوان را گول می زنی چگونه توان تو را امین شمرد و حدیث آموخت.^۷

از نشانه های مهم مؤمنان راستین این است که گفتار و کردارشان صد در صد هماهنگ باشد، و هر قدر انسان از این اصل دور شود از حقیقت ایمان دور شده است.

۳. صف (۶۱) : ۲

۴. برگزیده تفسیر نمونه، ج ۵، ص: ۱۷۱

۵. المیزان، ج ۱۹، ص ۲۸۷

۶. تفسیر عاملی، ج ۸، ص: ۲۶۱

۷. تفسیر عاملی، ج ۸، ص: ۲۶۱

حضرت امیر علیه السلام فرمودند: تورات بر پنج کلمه ختم شده است. من دوست می‌دارم در اول هر صبحی آن کلمه را بخوانم و در آن‌ها دقت نمایم: «کلّ غنیّ لا زاحه له من ماله فهو و الأجير سواء، و کلّ امرئ لا تجالس فی بیتها فهو و الأئمّه سواء، و کلّ فقیر تواضع الأغنیاء لغناه فهو و الکلب سواء، و کلّ ملک لا عدل له فهو و فرعون سواء و کلّ عالم لا یعمل بعلمه فهو و إبلیس سواء.»^۸

اول: ثروتمندی که با سرمایه‌اش نفعی نرساند با کسی که اجیر می‌شود برابر است.

دوم: زنی که بدون ضرورت از خانه شوهر خارج شود با کنیز برابر است.

سوم: فقیری که در برابر ثروتمند به خاطر مالش ذلیل شود با سگ برابر است.

چهارم: پادشاهی که به عدالت با فرمانبرانش رفتار نکند با فرعون برابر است.

پنجم: عالمی که به علمش عمل نمی‌کند با ابلیس برابر است.

خطبه دوم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذی لا یبلغ مدحته القائلون و لا یحصی نعمائه العادون و لا یؤدّی حقّه المجتهدون الذی لا یدرکه بعد الهمم و لا یناله غوص الفطن ثم الصلاه و السلام علی اشرف الانبیاء و المرسلین الذی سمی فی السماء باحمد و فی الارضین بابی القاسم محمد اللهم صل علی علی امیرالمومنین وعلی فاطمه سیده النساء العالمین وعلی الحسن والحسین سیدی شباب اهل الجنة وعلی علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر وعلی بن موسی و محمد بن علی وعلی بن محمد و الحسن بن علی و الحجه القايم المنتظر عجل الله تعالی فرجه و جعلنا من اعوانه و انصاره و المستشھدین بین یدیه

اسغفرالله لی و لکم من جمیع الذنوب و الاثام و اتوب الیه

پیامبر اسلام (ص) فرمودند: «مَنْ سَعَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ فَكَأَنَّمَا عَبَدَ اللَّهَ تِسْعَةَ أَلْفِ سَنَةٍ، صَائِمًا نَهَارَهُ قَائِمًا لَيْلَهُ.»^۹

کسی که در راه برآوردن نیاز برادر مؤمن خود بکوشد، گویی نه هزار سال با روزه گرفتن و شب زنده داری کردن، خدا را عبادت کرده باشد.

روز امور تربیتی و تربیت اسلامی

هشتم اسفند روز امور تربیتی و تربیت اسلامی نامگذاری شده است. بنده این روز را به تمام مربیان و فعالان عرصه تربیت اسلامی تبریک می‌گویم و از تمام کسانی که در تحکیم و تعمیق مسائل تربیتی در کشور خصوصاً در مدارس تلاش می‌کنند کمال تشکر را دارم.

بدون شک تربیت اسلامی که ثمره اش تربیت انسانهای الهی است زیربنای تمام فعالیت‌های علمی و آموزشی است که متأسفانه نظام آموزشی ما که عمده ساختارش از نظام آموزشی غرب گرفته شده است، به امور تربیت و تربیت اسلامی کمتر توجه کرده است. مربیان ما در مدارس اگر بخواهند کار تربیتی کنند باید از وجود خود مایه بگذارند و الا مساعدتهای سازمانی از آنچنان رمقی برخوردار نیست.

فرزندان ما ده، دوازده سال در مدرسه درس می‌خوانند ادبیات، ریاضی، جغرافی و سایر علوم ابتدائی را یاد می‌گیرند ولی در این که با خودشان چگونه باشند با خدایشان چگونه باشند با مردم چگونه رفتار کنند و در نهایت اصول و آداب اسلامی و انسانی را یاد نمی‌گیرند و حتی از روخوانی قرآن که کتاب دین و برنامه زندگی ماست، بعد از ده سال درس خواندن عاجزند. در حالی که پیامبر اسلام (ص) فرموده‌اند: «أَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: حُبِّ نَبِيِّكُمْ، حُبِّ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ»^{۱۰} فرزندان خود را بر سه ویژگی تربیت کنید: دوست داشتن پیامبرتان، دوست داشتن اهل بیت او، و خواندن قرآن.

^۸ . منهج البراعة فی شرح نهج البلاغه (خوئی)؛ ج ۶؛ ص ۹۷

^۹ . بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۳۱۶

^{۱۰} . کنز العمال، ج ۴۵۴۰۹

و آنهایی که به ادب و معنویت و معرفت مزین شده اند از خانواده، محیط زندگی یا خارج از برنامه های درسی از برخی مربیان دلسوز و متخلق به اخلاق اسلامی یاد گرفته اند.

البته تربیت اسلامی تنها در نظام آموزشی ما مورد بی مهری واقع نشده بلکه خانواده ها کمتر به آن توجه کرده اند. برای این که فرزندان از آموزش قابل قبولی برخوردار باشد دنبال مدارس خوب می گردند و معلم خصوصی می گیرند و حتی در زمان امتحانات فرزندانشان تمام مسافرتها خود را تعطیل می کنند که این خیلی خوب است ولی جای تاسف این است که اگر همین فرزند درس خوانده و تحصیل کرده، نماز نخواند و یا اصلا نماز بلد نباشد، متأثر نمی شوند و یا نداشتن اخلاق اسلامی در فرزندان آنها را متأثر نمی کند حتی ممکن است برخی از اولیاء به مدیر مدرسه اعتراض کند که چرا برنامه های تربیتی اجراء می کنی و بچه ام از درس می ماند.

این درحالی است که همین جوانان ما شدیداً مورد تهاجم تربیتی بیگانگان هستند. مربیان ما در چنین فضایی که هم دشمنان سخت تربیت اسلامی را مورد تهاجم قرار داده اند و هم نظام آموزشی و مسئولین کشوری به مسائل تربیتی کم توجه هستند، می خواهند با چنگ و دندان از فرزندان ما حمایت کنند و آنها را درست تربیت کنند. باید از این مربیان تشکر کرد و باید از آنها حمایت کرد تا فرزندان در کنار علم، انسانیت را نیز یاد بگیرند.

اتفاقات کشوری

مدتی است در داخل کشور اتفاقات رخ می دهد که موجب تگرانی مردم می شود. در این خصوص می خواهیم نکاتی را متذکر شوم و به اطلاع مردم عزیز و شما حضار گرامی برسانم.

۱. تفکیک اغتشاش گر با معترضین مدنی

مردم حق دارند به صورت قانونمند به مسئولین که خادمین آنها هستند اعتراض کنند. اعتراض معنایش این است که مردم به طرق مختلف از جمله اجتماع در یک مکان مشخص اعلام می کنند که ما این مشکل را داریم و یا مسئولین این مشکل را دارند و باید آن را حل کنند. در اینجا ساده ترین وظیفه مسئولین این است که این اعتراض را بشنوند و بدون توجیه و فرافکنی و فرار از مسئولیت آن را حل کنند و یا مردم را قانع کنند که این مشکل فعلاً به این دلیل حل نمی شود.

اما نکته ای که نباید از آن غافل شد این است که در هیچ جای دنیا اغتشاش، خشونت و قانون شکنی مقبول نیست و از طریق خشونت هیچ کشوری اصلاح نمی شود. اصولاً آنهایی که اغتشاش می کنند کشور را، آرازش کشور را نمی خواهند و الا کسی که کشورش را می خواهد پرچمش را به آتش نمی کشد و نیروهای نظامیش را که امنیت کشور را فراهم می کند مورد تهاجم قرار نمی دهد. و اموال عمومی را تخریب نمی کند. واقعیت این است که دشمنانی که ما را تحریم کرده اند، منافقیت را مسلح کردند که بزرگان ما را کشتند و به شهادت رساندند و حرکتهایی ایدئولوژیک و تخریبی انجام می دهند، عده ای را در داخل تحریک می کنند که آشوب و اغتشاش ایجاد کنند حتی ممکن است تعدادی از این اغتشاش گران آنقدر ساده باشند که خودشان نیز متوجه نباشند ولی اینها در اقلیت هستند. ولی انسان هرچه قدر ساده هم باشد می فهمد که این نیروی انتظامی که برادر و فرزند من و شماست رفته در آنجا مشغول خدمت شده می خواهد امنیت من و شما را فراهم کند، و غیر از تامین امنیت کاری هم نمی کند. بسیج کدام جرم را مرتکب شده است که از بیرون دستور می دهند با بسیجیان برخورد کنید. معلوم است که این اغتشاشات از خارج فرماندهی می شود حالا مستقیم یا غیر مستقیم و از طریق تبلیغات تحریک کننده.

حکومت و متولین امر باید بین معترضین و اغتشاش گران تفکیک قائل شوند و می شوند. باید به معترضین منطق پاسخ داد و با اغتشاش گران سخت برخورد نمود.

۲. طلبکار شدن بدهکاران

گروهی که خودشان در بیهود و تخریب وضعیت کشور موثر هستند و باید در مقابل کاستیه ا و ندانمکاریها و قصور و تقصیر خویش پاسخگو باشند، مطالبه گر شده اند. یکی در حالی که در راس قدرت است از رفراندوم سخن می گوید و هنگام سخنرانی دائماً می گوید باید فلان کار بشود و فلام اقدام صورت گیرد و طوری سخن می گوید که باید این کارها را دیگران انجام دهند در حالی که

این کارها را او خودش با زیر مجموعه خود عمل کند و اگر نمی تواند علت عدم توانائی را بیان کند . به جای این که در قبال کوتاهی ها پاسخگو باشد ، مطالبه گری می کند.

دیگری که در راس قدرت بود نامه سرگشاده به رهبری می نویسد و می گوید فلان کار را بکن و فلان کار را نکن. در حالی که خود ایشان وقتی در قدرت بود از رهبری اطاعت نکرد و قهر نمود و خانشینی را برگزید و حتی با عزل یک نفر نتوانست نظر رهبری را تامین کند. از شما می پرسیم آن روزی که شما در قدرت بودید مگر به حرف رهبری گوش دادید که انتظار دارید دیگران از رهبری اطاعت کنند؟ کسی که نامه سرگشاده می نویسد و راهکار نشان می دهد باید ابتداء خودش به آن معتقد باشد و به آن عمل کند ولی شما خودتان عمل نکردید حالا توقع دارید دیگران عمل کنند.

۳. مطالبه از رهبری

اخیرا مد شده است که مطالبات را متوجه مقام معظم رهبری می کنند . رهبری باید فلن کار را بکند و فلان اقدامات را انجام دهد . چرا رهبری با اختلاس و فساد و گرانی و بی کاری مبارزه نمی کند ؟ چرا رهبری مسئولین را چنین و چنان نمی کند؟ حل تمام مشکلات اقتصادی ، سیاسی ، قضائی و اجتماعی را از رهبری مطالبه می کنند.

اگر قرار است همه آنها را رهبری حل کند پس دولت و مجلس و قوه قضائیه برای چیست ؟ و چرا باید این همه بیت المال به آنها هزینه شود؟ دوم این که خود همین مسئولین و کسانی که آنها را انتخاب کرده اند ، چقدر منویات رهبری را در انتخاب خود ملاحظه نموده اند؟ سوم این که تذکرات مقام معظم رهبری در خصوص اقتصاد مقاومتی ، نامگذاری سالها ، نوع برخورد با دشمنان و مذاکرات هسته ای ، چقدر مورد عمل قرار گرفته است ؟ شما نماینده انتخاب می کنید بعد می گوئید رهبری چرا این کار را با مجلس نمی کند ؟ رئیس جمهور را خود شما انتخاب می کنید بعد مسئولیت را از رهبری می خواهید . رهبری تا مسئولین مطیع و مردم مدافع نداشته باشد اگر در سیاست و مدیریت و شجاعت مثل مولای متقیان بی نظیر هم باشد در محراب عبادت شربت نوشین شهادت خواهد خورد.

چهارم این که همین افرادی که به دروغ مطالبات را متوجه رهبری می کنند همین اندازه مطالبات رهبری را به دیکتاتوری تعبیر می کنند و آن را تحمل نمی کنند.

بعضی از اینها اگر از مردم نمی ترسیدند که مردم پشتیبان رهبری است معلوم نبود رهبری انقلاب را ملاحظه کنند. مردم می دانند که توجه دادن مطالبات به رهبری فرا افکنی ، لاپوشی تقصیرات و کوتاهی های خودشان است.

۴. تفرقه و تشتت ثمره تحزب

این احزاب سیاسی که هر روز مساله ای را علم می کنند و به حان هم می افتند ، جزء تفرقه و تشتت ، ایجاد یاس و ناامیدی در مردم و بدبینی ثمره ای نداشته است . اینها همه چیز را یا سایه و سیاه می بینند و یا سفید و سفید . خوب و بد خودشان را خوب مطلق و خوب بد دیگران را بد مطلق می بینند.

برای تخریب همدیگر به همدیگر تهمت می زنند ، دروغ می گویند ، حقایق را وارونه نشان می دهند ، کار های خوب همدیگر را انکار می کنند ، و تخلفات همدیگر را برجسته می سازند . مشکل حزبشان مقدم بر مشکل مردم است . شعار خدمت و مردم ، وسیله ای برای کسب قدرت است . اگر روزی مصلحت حزبشان این باشد که منافع مردم را فدا کنند لحظه ای در انجام آن تردید نمی کنند کما این که گاهی همین کار را می کنند . خداوند متعال فرمودند : « فَتَقَطُّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبْرًا كُلَّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ قَرِحُونَ^{۱۱} » آنها دین و کارشان را قطعه قطعه کرده از هم جدا شدند و هر کدام آنچه برای خود برگزید خوشحال است.

آیه فوق یک حقیقت مهم روانی و اجتماعی را باز گو می کند و آن تعصب جاهلانه احزاب و گروههاست که هر یک راه و آئینی را برای خود برگزیده ، و دریچه های مغز خود را به روی هر سخن دیگری بسته اند این حالت- که از خودخواهی و حب ذات افراطی سر چشمه می گیرد- بزرگترین دشمن تبیین حقایق و رسیدن به اتحاد و وحدت امتهاست. در ادامه می فرماید : « قَدَرَهُمْ فِي غَمْرَتِهِمْ

۱۱ . مومنون آیه ۵۳

حَتَّى حِينَ» آنها را در جهل و غفلتشان بگذار تا زمانی» که مرگشان فرا رسد، یا گرفتار عذاب الهی شوند که این قبیل افراد سرنوشتی غیر از این ندارند.

نمایش یاس کبود

یک نمایشی از بخشی از زندگی نامه حضرت فاطمه (س) به نام یاس کبود مدینه توسط هنرمندان جوان شهرمان و همکاری ارشاد اجرا شد که مورد استقبال خوبی قرار گرفت. لازم دیدم از این هنرمندان و اداره ارشاد تشکر کنم.